یادداشت

سردار علیرضا لطفی*

تله‌گذاری شرکت‌های هرمی برای تحصیلکردگان بیکار

با وجود انعکاس اخبار مربوط به برخورد با شرکت‌های هرمی و دستگیری اعضای اصلی این شرکت‌های غیرقانونی در طی ۱۰سال گذشته و اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی در رسانه ملی و مطبوعات در نهایت ناباوری همچنان شاهد جذب افراد در این شرکت‌ها هستیم.

از دی‌ماه‌سال ۸۴ که فعالیت این شرکت‌ها در زمره جرائم اخلال در نظام اقتصادی کشور به شمار آمد این شرکت‌ها به صورت زیرزمینی و تحت عناوین مختلف اقدام به عضوگیری می‌کنند. عموم افراد بر این باورند که با توجه به موج عظیم دستگیری‌ها و اطلاع‌رسانی‌های صورت گرفته در یک دهه گذشته احتمال کمی وجود دارد که کسی توسط این شرکت‌ها مورد اغفال قرار بگیرد، اما در نهایت تأسف نه تنها هنوز عضوگیری توسط این شرکتها وجود دارد که اکثر افراد جذب شده نیز از جوانان تحصیلکرده هستند. تنها نکته‌ای که عضوگیری‌های اخیر را از سالهای گذشته متمایز می‌کند محل سکونت این افراد است. خوشبختانه با وجود آگاهسازی‌های صورت گرفته توسط پلیس و ارتقای دانش انتظامی شهروندان این شرکتها در جذب عضو از میان شهروندان و جوانان تهرانی با شکست مواجه شده‌اند، اما سیل شکایات و اعلام فقدانی خانواده‌ها از نقاط مختلف کشور به پلیس آگاهی تهران بزرگ نشان می‌دهد این شرکت‌های غیرقانونی دام تبلیغات فریبنده خود را متوجه جوانان تحصیلکرده اما بیکار شهرستانی کرده‌اند.

شکل و ساختار فعالیت این شرکت‌ها هرمی است و افراد تحت عنوان عضو شناخته می‌شوند و عضو کسی است که با پرداخت مبلغی اقدام به سرمایه‌گذاری کرده و برابر دستورالعمل کاری برای اینکه بتوانند به سود برسد باید تعدادی را به عنوان زیرشاخه معرفی و از آنها نیز جذب سرمایه کند و به حساب شرکت واریز کنند لازم به ذکر است افراد عضو شده دارای تحصیلات دانشگاهی و مدارک عالیه بوده و پس از پرداخت حداقل مبالغ میانگین ۲۵میلیون تومان باید برای فعالیت در شرکت اقدام به جذب زیرمجموعه کنند و جهت انجام این کار مخاطبان خود را که ساکن شهرستان هستند به بهانه استخدام در شرکت‌های معتبر دولتی مانند: شرکت نفت، پتروشیمی و شرکت‌های اقماری، وزارت نیرو، شرکت مپنا و... به تهران دعوت می‌کنند.

سطح اول نفرات جدیدالورود و استیج زده‌ها هستند از جمله: لول اول ۰-۰ یعنی کسی که تازه وارد شده است، لول دوم ۰-۱کسی که یک نفر را وارد کرده است، ۱-۱کسی که دونفر را وارد کرده است و به اصطلاح استیج زده است، لول سوم ۲-۱یعنی کسی که یکی از زیرمجموعه هایش یک نفر را وارد کرده است، ۲-۲یعنی کسی که هر کدام از زیر مجموعه هایش یک نفر را جذب کرده باشد، ۳-۳کسی که دو زیر مجموعه‌هایش استیج زده باشد و به اصطلاح در حال آفیسر شدن است.

سطح دوم به نام آفیسر شناخته می‌شود، آفیسر کسی است که مسئولیت مدیریت و کنترل اعضاء در آفیس(دفتر) را به عهده داشته و در مقاطعی اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی می‌کند. آفیسر ممکن است یک یا دو نفر به عنوان دستیار در اختیار داشته باشد که موارد مربوط به تدارکات و تهیه لوازم و مایحتاج را برعهده دارد.

سطح سوم ساپورتر است که آفیسر تمام موارد کاری خود مانند برگزاری کلاس آموزشی چه در محل آفیس یا خارج از آفیس (پارکها، اماکن عمومی و...) اعزام تیم برای مصاحبه جذب افراد جدید و اموراتی از این دست را هماهنگ می‌کند و حداقل مسئولیت هدایت دو آفیس را برعهده دارد.

سطح چهارم لیدر است. لیدر فردی است که معمولاً تعدادی آفیس را در اختیار داشته و از طریق هماهنگی با ساپورترها و آفیسرها نسبت به کنترل آفیس‌های تحت نظر اقدام می‌کند که در برخی موارد مشاهده شده لیدرها پس از اینکه آفیس توسط پلیس شناسایی و افراد دستگیر شدند با تطمیع برخی افراد بیرونی که دارای فیش حقوقی و جواز کسب هستند به مراکز قضایی مراجعه و اقدام به سپردن وثیقه یا کفالت جهت آزادی دستگیرشدگان می‌کند و این عمل در راستای جذب مجدد افراد و راه اندازی آفیس انجام می‌گیرد.

در حال حاضر قریب به اتفاق اکثر آفیس‌ها تحت عنوان شرکت Q-NET فعالیت داشته و با موضوع خرید تورهای مسافرتی که همگی تور خارج از کشور هستند اقدام به اخذ مبالغ مختلف از اعضا می‌کنند. البته در برخی موارد افرادی در خارج از آفیس بدون داشتن دفتر و مکان، اقدام به جذب سرمایه افراد می‌کنند و این به گونه ایست که این افراد در بین همکاران خود و کسانی که در یک صنف فعالیت می‌کنند ورود کرده و با استفاده از همان شگرد و نام برخی شرکت‌های داخلی و خارجی یا حتی موضوع کار یا حرفه خود اقدام به کلاهبرداری می‌کنند.

پیرو بخشنامه و دستورالعمل‌های صادره از پلیس آگاهی ناجا مبنی بر تشدید فعالیت‌های شرکت‌های هرمی در سطح شهر تهران و استان‌های اطراف، تعدادی از افراد جذب شده یا خانواده‌های اعضای جذب شده در شرکت‌های هرمی به اداره ۱۴ معاونت جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه کردند و با در دست داشتن شکوائیه تقاضای شناسایی و یافتن فرزندانشان و دستگیری اعضای بالادستی خود را داشتند. لذا کارگروهی از کارآگاهان مجرب جهت رسیدگی تخصصی و مقابله با آنها در سال ۱۳۸۹ در این پلیس تشکیل شد و با همکاری سایر ارگان‌های دولتی و امنیتی با توجه به فعالیت آشکار شرکت‌های هرمی از جمله گلدکوئست در یک عملیات ضربتی و هماهنگ در سطح حوزه قضایی و انتظامی تهران بزرگ حدود ۴۰۰دفتر شناسایی و جمع آوری شد. پس از اجرای عملیات مذکور شرکت‌های هرمی جهت بقا و ادامه جذب افراد شروع به فعالیت‌های مخفیانه و زیرزمینی کردند و با توجه به رسانه‌ای شدن موضوع، نام و نحوه عضوگیری را تغییر داده و به بهانه استخدام یا سرمایه گذاری در بازارهای جهانی (فارکس) اقدام به جذب افراد با مبالغ مختلف که بعضاً به چند صدمیلیون تومان از هر نفر می‌رسد، می‌کردند.

با توجه به رویه جدید شرکت‌های هرمی و دستگیری‌های متعدد اعضا اسنادی در آفیس‌ها کشف شد که در آنها نحوه فرار از چنگال قانون و جلوگیری از شناسایی توسط مأموران انتظامی به‌طور جامع و کامل آموزش داده شده بود.

با توجه به دستگیری‌های صورت گرفته در شهر تهران و ناامن شدن حوزه انتظامی تهران بزرگ برای این افراد سردسته‌ها و لیدرها اقدام به انتقال دفاتر خود از تهران به شهرهای مجاور کرده و برنامه‌ریزی خود را در عضوگیری، بر اغفال جوانان تحصیل کرده از استان‌های دور دست متمرکز کرده‌اند. لذا به خانواده‌ها توصیه می‌شود به منظور مراقبت و محافظت از فرزند خود به این هشدارها توجه کنند:

۱- بعضاً دیده شده افرادی که در ابتدای عضویت در این شرکت‌ها توسط پلیس نجات می‌یابند همچنان متعجب هستند که چرا پلیس مانع از شراکت آنان در تجارتی سودآور شده است. با یک مثال ساده برای این افراد می‌توان شرکت‌های هرمی را به جارو برقی تشبیه کرد که سود واقعی تنها نصیب سرشاخه‌های اصلی می‌شود و چیزی به افرادی که در مسیر جذب سرمایه به درون این جاروبرقی هستند، نمی‌رسد.

۲-به هیچ وجه به درخواست مبالغ میلیونی (معمولا ۳۰میلیون به بالا) فرزندانتان که برای استخدام راهی تهران شده‌اند تحت عنوان ضمانت برای کار و خرید وسیله و... پاسخ مثبت ندهید و به آشنایان و اطرافیانتان نیز بسپارید به هیچ عنوان این پول را به فرزندتان ندهند. تنها راهی که می‌توانید زمینه بازگشت فرزندتان را فراهم کنید عدم پرداخت پول است، چون تنها در این صورت است که این شرکت‌ها دست از اغفال سوژه برداشته و وی را رها می‌سازند.

۳- نسبت به سکونت تعداد زیادی جوان در یک آپارتمان کوچک و با رفت و آمد محدود در محل سکونت خود، به وجود شرکت‌های هرمی شک کرده و مراتب را به پلیس اطلاع دهید.

۴- هرگونه استخدام در سازمان‌های دولتی از طریق رسانه‌های جمعی اعلام می‌شود. پس در صورت تماس یک دوست قدیمی در مورد استخدام در این سازمانها و وسوسه و دعوت فرزند شما به تهران به نیت فرد در عضوگیری برای شرکت‌های هرمی شک کرده و مانع پاسخ مثبت فرزندتان به این دعوت شوید.

*رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ

کلاهبرداران خانه‌های اجاره‌ای را رهن می‌دادند

چند مرد بنگاهدار که پس از اجاره کردن خانه‌های مردم، املاک اجاره‌ای را رهن داده و متواری می‌شدند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۴اسفندسال قبل مردی مأموران پلیس را از ماجرای کلاهبرداری اعضای این باند با خبر کرد. او گفت: من چند ماه قبل برای اجاره‌دادن خانه‌ام به یکی از سایت‌های معروف، آگهی دادم. بعد از آن مردی از طرف بنگاهی به نام «آراد» تماس گرفت و گفت که حاضر است خانه‌ام را به مبلغ خوبی اجاره دهد که قبول کردم. بعد خانه‌ام در خیابان فردوس شرق را به اعضای یک خانواده اجاره دادم. قرار شد مستأجرم سر هر ماه اجاره را به حسابم واریز کند، اما با گذشت دو ماه اجاره‌اش به تأخیر افتاد. امروز وقتی برای گرفتن اجاره مراجعه کردم، دیدم فرد دیگری در خانه‌ام ساکن شده است! وقتی برای تحقیق درباره این موضوع به بنگاه آراد مراجعه کردم متوجه شدم که بنگاه هم تعطیل شده است و بنگاه‌دارها کلاهبردار بوده‌اند. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور بازپرس شعبه‌هفتم دادسرا ناحیه‌پنج تهران در اختیار اداره ۱۴ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در جریان بررسی‌های بیشتر مشخص شد افراد فریبکار با تأسیس یک بنگاه اقدام به اجاره کردن خانه کرده و بعد از دو ماه خانه‌های اجاره‌ای را در بنگاه خود به افراد دیگری رهن می‌دادند و به این شیوه هم از مالک و هم از مستأجر جدید کلاهبرداری می‌کردند.

مالک مغازه‌هم وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: من مغازه‌ام را به مردی به نام پدرام اجاره دادم که قرار شد در آن بنگاه املاک دایر کند. چند ماهی که گذشت، آن مرد قراردادش را فسخ کرد و گفت که جایی بهتر پیدا کرده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان موفق شدند مخفیگاه یکی از اعضای این باند را در مارلیک شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری به این شیوه اعتراف کرد و دو همدست خود به‌نام‌های پیمان و محمدرضا را به پلیس معرفی کرد. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مشخص شد که پیمان و محمدرضا به همان شیوه بنگاهی به نام آپاما در محدوده هفت‌حوض اجاره کرده و مشغول کلاهبرداری هستند که بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان اوراق هویتی جعلی با اسامی مختلف و تصاویر مختلف، مهرهای برجسته دفترخانه و تعدادی اسناد ملکی جعلی کشف شد. در جریان تحقیقات از این متهمان مشخص شد که در بنگاه آپاما از ۱۰ نفر دیگر به همان شیوه کلاهبرداری کرده‌اند. سرهنگ جهانگیر تقی‌پور، معاون جرائم مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی پایتخت گفت: با هماهنگی بازپرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه‌پنج تهران، اعضای این باند با وثیقه ۵میلیاردی راهی زندان شدند و تحقیقات از آنها همچنان در جریان است.

بازداشت سارق تحت تعقیب در کورس با خودروی سرقتی

سارق حرفه‌ای که با خوراندن مواد بی‌هوشی در تهران و قم اقدام به سرقت خودرو و اموال شهروندان کرده‌بود، هنگام کورس با خودروی سرقتی در آزادراه تهران-قم بازداشت شد.

بسیاری از مجرمان هنگام بروز عمل مجرمانه خود جان شهروندان را به خطر می‌اندازند که پس از بازداشت متهمان راز بسیاری از جرائمی که ممکن است به مرگ افراد منجر شده باشد هم بر ملا نمی‌شود. تشدید مجازات و محرومیت‌های اجتماعی برای این دسته از مجرمان شاید منجر به کاهش وقوع اینگونه جرائم شود، مثل مردی که با خوراندن ماده بی‌هوشی مردم را بی‌هوش و اموالشان را سرقت می‌کرد.

به گزارش خبرنگار ما، روز ۲۲اردیبهشت‌سال قبل بود که زنی به اداره پلیس رفت و از مرد میانسالی به اتهام سرقت خودرو و اموال گرانقیمتش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: خانه‌ام در یکی از خیابان‌های شمالی تهران است و به صورت تنها زندگی می‌کنم. پدر و مادرم اهل کرمانشاه هستند و آنجا زندگی می‌کنند به همین خاطر در سال چند باری برای دیدن آنها به کرمانشاه می‌روم. مدتی قبل زمانی که برای رفتن به کرمانشاه به ترمینال مسافربری رفته بودم با مرد میانسالی به نام افشار آشنا شدم. او مدعی شد که کمک راننده است و در نصب و تعمیرات ماهواره و تجهیزات آن هم فعالیت دارد. او شماره‌اش را به من داد و قرار شد، اگر کاری داشتم با او تماس بگیرم. چند روزی بود ماهواره‌ام مشکل پیدا کرده‌بود که روز قبل با افشار تماس گرفتم و او را برای تعمیر ماهواره‌ام به خانه‌ام دعوت کردم و او هم ساعتی بعد به خانه‌ام آمد. برای پذیرایی از او دو لیوان چایی آوردم و روی میز گذاشتم و سپس برای آوردن وسایل ماهواره به اتاقم رفتم و لحظاتی بعد پیش او برگشتم و شروع به خوردن چایی‌ام کردم که احساس کردم سرم گیج شد و بعد بی‌هوش شدم تا اینکه امروز برادرم به خانه‌ام آمد و با پیکر نیمه‌جان من روبه‌رو می‌شود و مرا به بیمارستان منتقل می‌کند. وقتی به هوش آمدم تازه فهمیدم که کمک راننده داخل چایی من مواد بی‌هوشی ریخته و پس از اینکه بی‌هوش شدم خودروی ساینانام به همراه مدارکش، طلاها و پول‌های نقد و اموال گرانقیمتم را سرقت می‌کند.

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی رسولی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۳۴ برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. چند روز پس از حادثه مأموران خودروی سرقتی را در حالی که تمامی وسایل داخل آن و حتی لاستیک هایش سرقت شده بود در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران کشف کردند.

گزارش سرقت مشابه از مرد لباس فروش

همزمان با ادامه تحقیقات مأموران با شکایت مشابه دیگری روبه‌رو شدند که حکایت از این داشت متهم این بار به همین شیوه مرد لباس‌فروشی را بی‌هوش و اموالش را سرقت کرده است.

شاکی گفت: کارم لباس‌فروشی است و بیشتر از کشور ترکیه لباس وارد می‌کنم و در تهران می‌فروشم. چند روز قبل تعدادی نمونه از لباس‌های وارداتی‌ام را به تهران آوردم و قرار بود برای فروش بازاریابی کنم تا اینکه با مردی در حوالی بازار آشنا شدم که مدعی بود لباس فروش است. او گفت که لباس‌های مرا می‌خرد و به همین دلیل همراه او به مهمانپذیری رفتیم که آنجا ساکن بودم. پس از اینکه نمونه‌های لباس‌ها را نشانش دادم او آبمیوه‌ای را به من تعارف کرد و من هم خوردم که بی‌هوش شدم. وقتی به هوش آمدم دیدم این مرد پس از اینکه مرا با آبمیوه مسموم بی‌هوش کرده خودروی ساینانام را همراه پول‌ها و وسایل گرانقیمتم را سرقت کرده است.

در حالی که تحقیقات درباره این پرونده ادامه داشت کارآگاهان دریافتند، مأموران راهنمایی و رانندگی در اتوبان تهران-قم خودروی ساینا سرقتی مرد لباس فروش را در حالی که راننده آن با سرعت غیرمجاز با راننده دیگری کورس گذاشته‌بود، توقیف و راننده آن را به خاطر سرقتی بودن خودرو بازداشت کرده‌اند.

متهم پس از انتقال به تهران در بازجویی‌ها به جرم خود اقرار کرد. تحقیقات از متهم به دستور قاضی رسولی ادامه دارد.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

افشار هستم ۵۷ ساله.

معتادی؟

بله. اعتیاد زندگی‌ام را تباه کرد.

سابقه داری؟

بله، به خاطر اعتیادم قبل از اینکه این بار دستگیر شوم پنج‌بار دیگر به خاطر اعتیاد و مواد به زندان رفته‌ام.

قبلاً چه کار می‌کردی؟

من مدتی به عنوان کمک راننده با اتوبوس‌های بین شهری کار می‌کردم اما وقتی متوجه می‌شدند اعتیاد دارم مرا اخراج می‌کردند.

سابقه سرقت نداری؟

نه، از سال قبل تصمیم گرفته بودم به این شیوه سرقت کنم.

با اولین شاکی چطور آشنا شدی؟

داخل ترمینال با او آشنا شدم. آن روز بلیت گیرش نمی‌آمد که برای او بلیت گرفتم. وقتی فهمیدم زن پولدار و تنهایی است طرح دوستی ریختم و مدعی شدم که کمک راننده‌ام و کارهای تعمیرات ماهواره هم انجام می‌دهم. تصمیم داشتم به این بهانه به خانه‌اش بروم و سرقت کنم که موفق هم شدم.

داروی بی‌هوشی را از کجا تهیه کردی؟

از یکی از خیابان‌های جنوبی تهران.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز وقتی برای من چایی آورد از او خواستم لوازم و تجهیزات ماهواره را برای من بیاورد و وقتی به اتاق رفت مقداری مواد بی‌هوشی داخل چایی او ریختم و وقتی بی‌هوش شد اموالش را سرقت کردم.

در این مدت چند مورد سرقت مشابه داشتی؟

پنج‌مورد، دو مورد در تهران که یکی همین زن تنها بود و دیگری هم مرد لباس‌فروشی بود که با آبمیوه مسموم او را بی‌هوش کردم و سه‌مورد هم در شهرستان قم بود.

درباره افرادی که در قم بی‌هوش کردی توضیح بده؟

اولین مورد مرد عتیقه فروشی بود که سماور قدیمی سرقتی را برای فروش به مغازه‌اش بردم و به قیمت ۱۸۰ هزار تومان فروختم. من به او گفتم که مسافرم و دو پرس غذا سفارش دادم و در فرصت مناسب یک پرس را با مواد بی‌هوشی آلوده کردم و به مرد عتیقه فروش دادم و او هم خورد و بی‌هوش شد که لوازم گرانقیمت و مقداری هم عتیقه و پول‌های او را سرقت کردم. مورد دوم و سوم هم از صاحبان دو سوپر مارکت به همین شیوه سرقت کردم. من غذای آلوده را به عنوان غذای نذری به آنها دادم و وقتی بی‌هوش شدند دخل آنها را سرقت کردم.

دزدان گوش‌بر به دام افتادند

دو برادر افغان وقتی با مقاومت سوژه‌های خود برای سرقت مواجه می‌شدند، لاله گوش آنها را بریده و بعد از سرقت پا به فرار می‌گذاشتند.

به گزارش خبرنگار ما، پرونده دزدان گوش‌بر ۲۸فروردین‌ماه امسال به جریان افتاد. آن روز رهگذرانی که در حال عبور از خیابان فلسطین بودند با دیدن راننده یک خودروی تاکسی که دچار جراحت شده بود پلیس را با خبر کردند. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین در محل حاضر شده و راننده زخمی را در حالی که لاله گوش راستش بریده و دچار خونریزی زیادی شده بود به بیمارستان منتقل کردند. راننده زخمی توضیح داد: ساعتی قبل از حادثه دو مرد افغان در تهرانسر تاکسی من را به صورت دربست برای رفتن به خیابان سپهبد قرنی کرایه کردند. آنها گفتند که برادر هستند و برای گرفتن طلب‌شان می‌خواهند به تهران بروند که بعد از توافق بر سر کرایه یکی از آنها در صندلی جلو و نفر دوم هم در صندلی عقب نشست و به سمت تهران حرکت کردم. وقتی به خیابان فلسطین رسیدیم از آنها خواستم که کرایه‌شان را آماده کنند که ناگهان به من حمله کردند و با کاتر لاله گوشم را بریدند و بعد فرار کردند. بعد از مطرح شدن شکایت کارآگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران برای بررسی وارد عمل شدند که با شکایت‌های مشابهی علیه متهمان روبه‌رو شدند. کارآگاهان با بررسی شکایت‌های مطرح شده موفق شدند یکی از مجرمان سابقه‌دار را که به این شیوه اقدام به زورگیری می‌کرد شناسایی کنند. «نصیر ۳۷ساله» تبعه افغان بود که قبلاً ۱۰بار به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده بود. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مخفیگاه وی در حوالی کرج شناسایی و متهم به همراه برادر ۳۰ساله‌اش ناصر بازداشت شد. دو متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کردند و گفتند به همین شیوه از ۱۵ نفر دیگر سرقت کرده‌اند. سرهنگ چهری، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از دو متهم برای کشف جرائم احتمالی آنها در جریان است.

قاتل: مست بودم

مردجوانی که سال گذشته در جریان درگیری در یکی از پارک‌های غرب تهران مرتکب قتل شده است در جلسه محاکمه مدعی شد که به خاطر مصرف مشروب کنترل خودش را از دست داده و مرتکب قتل شده‌است.

به گزارش خبرنگار ما، در پرونده‌ای که ۲۵اردیبهشت‌سال ۹۷ در کلانتری ۱۴۱ کن تشکیل شد، مأموران از قتل مرد ۳۰ساله به نام سیامک در پارک بهار در شهران باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد مرد جوان در جریان درگیری با پسر جوانی به نام ستار بر اثر اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تلاش مأموران برای شناسایی ستار ۱۹ساله آغاز شد تا اینکه عامل قتل در خانه پدری‌اش دستگیر شد. متهم ابتدا سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در روند بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «روز حادثه مست بودم که ناخواسته مرتکب قتل شدم.»

متهم بعد از اقرار به جرمش روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد و مقابل قاضی کیخواه پای میز محاکمه ایستاد. ابتدای جلسه اولیای‌دم که مادر مقتول بود درخواست قصاص کرد سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح حادثه گفت: «روز حادثه در محله شهرری بودم و بعد از خوردن مشروب تصمیم گرفتم با موتورم در خیابان چرخی بزنم. همین لحظه یکی از دوستانم تماس گرفت و خواست به منطقه شهران بروم. از دولت‌آباد به سمت کن رفتم و بعد از اینکه دوستم را دیدم خواست به پارکی که حوالی همان محل بود، برویم. قبول کردم اما وقتی در مسیر بودیم او پیشنهاد داد یک بطری مشروب بخریم. مخالفت کردم و گفتم من ساعتی قبل دو لیوان مشروب خورده‌ام، اما با اصرار او قبول کردم و همراه او و چند نفر دیگر از دوستانم در پارک دو لیوان دیگر مشروب خوردیم.» متهم ادامه داد: «با خوردن چند لیوان مشروب در حال خودم نبودم و گویا در حال عربده‌کشی بودم که ناگهان سیامک جلو آمد و معترض شد و گفت اینجا زن و بچه مردم رفت و آمد می‌کنند و نباید سر و صدا کنم. اصلاً روی رفتارم کنترل نداشتم که ناگهان مقتول با دست به پشت سرم ضربه زد و بعد با دو نفر از دوستانش در مکانی که بن‌بست بود و راه فراری نبود حمله کردن و آنها مرا به شدت کتک زدند. چاره‌ای نداشتم و مجبور شدم از خودم دفاع کنم به همین خاطر با چاقویی که همراه داشتم چند ضربه به مقتول زدم و او خونین روی زمین افتاد.»

متهم در ادامه در پاسخ به سؤال هیئت قضایی مبنی بر اینکه چرا با خودش چاقو همراه داشته است، گفت: «مدتی قبل یک موتور گرانقیمت خریده بودم. از آنجائیکه در محله ما خفت‌گیری زیاد شده بود ناچار بودم همیشه چاقو همراه داشته باشم تا اگر خطری بود از خودم دفاع کنم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید قصد قتل نداشتم و آن روز به خاطر خوردن مشروب از نحوه قتل اطلاع درستی ندارم بعد که به هوش آمدم دوستانم گفتند در حال عربده‌کشی و فحاشی بودم که مقتول با من درگیر شد. در این مدت بارها خانواده‌ام برای صحبت به دیدن اولیای‌دم رفته‌اند، اما آنها اجازه صحبت نمی‌دهند. از آنها تقاضا دارم مرا ببخشند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

سیل جان خواهر و برادر خردسال میبدی را گرفت

سیل در شهرستان میبد جان دو کودک را که همراه پدرشان برای دیدن سیل از خودرو خارج شده بودند، گرفت.

هادی هادی‌نسب، مدیرکل مدیریت بحران استان یزد به ایسنا گفت: بامداد روز چهارشنبه، یکم خردادماه خانواده‌ای چهار نفری در مسیر درین به میبد برای تماشای سیل از ماشین خود خارج شده و پدر به همراه دو کودک خود به داخل آب می‌رود و هنگامی که به وسط آب می‌رسند، سرعت سیل دستان دو کودک را از دست‌های پدر خارج می‌کند و با خود می‌برد. وی با اشاره به این که در چنین شرایطی پدر تنها موفق به نجات خود می‌شود، گفت: جسد دخترک ۱۲ساله به همراه جسد برادر چهارساله‌اش مدتی پس از غرق شدن، در ساعت ۱:۴۵ بامداد پیدا شد.